

نوشته:  
لارنس فریدمن

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2023-06-24»



شورش پریگوژین

در روسیه چه خبر است؟

با توجه به اینکه ماه ها به پوتین گفته شده بود که پوتین کاملاً کنترل دارد و در برابر کودتا آسیب پذیر نیست، اکنون اقتدار او مستقیماً به چالش کشیده شده است، به گونه ای که ممکن است پیامدهای گسترده ای برای رژیم نیز داشته باشد. اطمینان از اینکه هیچ کودتای وجود نخواهد داشت به این دلیل بود که کسی برای رهبری آن مشخص نبود، با توجه به اینکه یک نامزد جدی باید توسط قابلیت های نظامی معتبر پشتیبانی شود .

حالا ما یک نامزد داریم. این کودتا توسط رئیس مزدوران واگنر، یوگنی پریگوژین رهبری می شود. در ابتدا پول هوشمند بر سر شکست او بود زیرا تمام وزن دولت روسیه علیه او است. قبل از انجام حرکات، او را خائن اعلام کردند، دفاترش مورد حمله قرار گرفت و پایگاه هایش گلوله باران شد. اما دولت روسیه ناتوان و فرسوده است. اگر هدف این بود که پریگوژین را غافلگیر کنند و دهان او را ببندند، شکست خورد، زیرا به نظر می رسد که او تا حدودی متوجه چیزهایی شده بود که برای او آماده می شد و به همین دلیل دست به ابتکارات خود زد. اگر می خواهید در مقابل حریفان خود حرکت کنید، باید قاطع باشید. پریگوژین فرار کرد (مانند زلنسکی در فوریه 2022) .

در عوض ستونی از افراد او بدون هیچ مانعی از دونباس به روسیه رفتند و به سمت روستوف-آن-دون حرکت کردند. این مرکز فرماندهی و مرکز لجستیک حیاتی برای جنگ است. طبق گزارش‌ها، در حین انجام او، افرادی تلویزیون و رادیو محلی را هک کردند و درخواست‌هایی برای حمایت پخش کردند و ادعا کردند که کسانی که از وزیر دفاع سرگئی شویگو حمایت می‌کنند خائنان و حامیان واقعی او کرایین هستند.

پوتین اکنون خطری را که باید هفته‌ها پیش متوجه می‌شد قدردانی می‌کند. او در سخنرانی صبح شنبه خود کسانی را که در زمان جنگ از پشت به روسیه خنجر زدند محکوم کرد، تأکید کرد که آنها مجازات خواهند شد، تأیید کرد که اکنون یک رژیم "ضد تروریسم" در مسکو برقرار است، و به مردمش قول داد که همه چیز زیر سوال رفته است. کنترل او این کار را بدون بر زبان آوردن نام پریگوژین انجام داد. رئیس واگنر و لدمورت شده است.

ابهامات زیادی در مورد تحولات میدانی وجود دارد. اینها موقعیت‌هایی هستند که شایعات بارور می‌شوند و به سرعت رشد می‌کنند، بنابراین عاقلانه نیست که با اعتماد به نفس زیاد در مورد آنچه در حال رخ دادن است صحبت کنیم، چه رسد به اینکه رویدادها چگونه اتفاق می‌افتند. اما در مواقعی مانند این حدس و گمان اجتناب ناپذیر است.

آیا از دروغ و تبلیغات بی‌وقفه خسته شده‌اید؟

**چگونه به اینجا رسیدیم؟** ما در هنگام ترسیم توسعه این بحران برای دولت روسیه روی زمین مطمئن هستیم. این تنش ماه‌ها آشکار بود و با شکایت‌های مکرر پریگوژین مبنی بر اینکه در طول نبرد طولانی برای شهر باخموت از گرسنگی خوردن مهمات می‌خورد، توجه را به خود جلب کرد. در یک نقطه او تهدید کرد که اگر نیازهایش برآورده نشود، از نبرد دور خواهد شد، وقتی به او گفتند که تدارکاتش را خواهد گرفت، موافقت کرد که ادامه دهد و سپس همچنان غر می‌زند که کافی نیست. پس از دستگیری باخموت، پس از ماه‌ها نبرد طاقت‌فرسا شهری، شکایات بیشتری وجود داشت مبنی بر اینکه ضعف در میان نیروهای منظم روسیه به اوکراینی‌ها اجازه داده بود تا قلمروی جناحین را پس بگیرند و در نتیجه تلاش‌های افرادی را بی‌فایده می‌کرد.

این منجر به انتقاد گسترده تری از کیفیت فرماندهی ارشد روسیه به دلیل دوری از واقعیت‌های خشن جنگ، کم‌اهمیت جلوه دادن تلفات و صحبت به گونه‌ای شد که گویی همه چیز خوب است در حالی که واضح است که اینطور نیست. سپس شویگو تلاش کرد

تا گروه واگنر و سایر شرکت های نظامی خصوصی راتحت کنترل مستقیم خود قرار دهد .  
پریگوژین نمایش بزرگی در رد دستورات شویگو انجام داد . او قبلاً در حال شورش بود .

از این طریق فرض بر این بود که پریگوژین به اندازه کافی به پوتین نزدیک است تا در هنگام ایجاد سر و صدا از فاصله جغرافیایی برخوردار باشد . شاید برای پوتین مناسب باشد که یک منتقد دوستانه مشاوران نظامی اصلی خود را سرپا نگه دارد . با این حال او اینقدر دوستانه بود؟ هر چه انتقادات تندتر باشد به پوتین نزدیکتر می شود . این اتهام که رئیس جمهور عمداً توسط زیردستانش بی خبر نگه داشته می شد، به سختی تایید زنگی از رهبری او بود . او یا ساده لوح بود یا همدست .

پوتین نیز هیچ تلاشی برای فاصله گرفتن از شویگو انجام نداد . هر زمان که او در مورد عملیات نظامی صحبت می کند، که اخیراً بیش از هر زمان دیگری از زمان شروع ضد حمله اوکراین انجام داده است ، او خط شویگو را اتخاذ می کند که همه چیز خوب است، اوکراینی ها در حال شکست هستند، تجهیزات **نا تو** چیزی نیست ویژه، و اینکه نیروهایش برای مدت طولانی در صورت لزوم آماده می شوند . یکی از تداوم اظهارات او این است که او در مورد اینکه چرا باید جنگ انجام شود بسیار مطمئن تر از نحوه پیروزی در آن است . در این مورد او همچنان مبهم قابل توجهی است .

## در حال جوشیدن

این مسئله ضرورت جنگ است که آخرین آنها مات پریگوژین را بسیار آتش زار کرد . آنها یی که در روز جمعه ساخته شدند، از نظر ماهیت و جهت کاملاً با هر آنچه قبلاً پیش آمده بود متفاوت بودند، و نه تنها هدایت جنگ، بلکه کل مبنایی را که بر اساس آن آغاز شد، به چالش کشیدند . ممکن بود این گلوله ها به سمت شویگو و ژنرال والرئ گراسیموف، فرمانده کل قوا باشد، اما ولادیمیر پوتین به وضوح در خط تیراندازی بود .

به یاد داشته باشید که بهانه این جنگ این بود که اوکراین در حال اجرای یک "نسل کشی" علیه مردم روسی زبان دونباس بود که توسط ناتو انجام شد . این امر تهاجم را ضروری کرد، هم برای محافظت از قربانیان احتمالی و هم برای حذف رژیم نفرت انگیز نئونازی که دست به چنین اعمال وحشتناکی می زد . کل توالی وقایعی که منجر به تهاجم 24 فوریه 2022 شد، در راستای این نظریه تنظیم شد، با جلسه شورای امنیت در صبح روز 21 فوریه شروع شد که در آن از استقلال جمهوری های خلق دونتسک و لوهانسک (DNR/LNR) پرسیده شد ( شناخته شود ) .

پوتین فوراً تصمیم گرفت که باید باشند، روز بعد تأیید کرد که این مرزهای کلاسیک این استان‌ها را به جای مناطق تحت پوشش DNR/LNR پوشش می‌دهد و از دوما برای انجام هر کاری که برای دفاع از آنها لازم بود، اختیار گرفت. به دنبال آن یک حادثه صحنه‌سازی شده در لوهانسک، درخواست کمک برای مقابله با تجاوزات کیف، و سپس تهاجم تمام عیار دنبال شد.

پریگوژین در ویدئوی صبح جمعه خود، تمام این تدبیر را از بین برد. او توضیح داد که قبل از تهاجم، هیچ تهدید خارق‌العاده‌ای برای دونباس وجود نداشت، مبادلات توپخانه بیش از حد معمول نبود، و کل این تجارت توسط شوپگو و دیگر افسران فاسد ساخته شده بود، با حمایت الیگارش‌ها که از آن پول می‌گرفتند. تقویت نظامی آنقدر این اتهام اهانت آمیز بود که FSB، آژانس امنیتی، تحقیقات جنایی را علیه پریگوژین آغاز کرد. بعداً پریگوژین دوباره روی آنتن رفت و تصاویری از پیامدهای حمله موشک‌ها و هلیکوپترهای روسی به اردوگاه واگنر را نشان داد. او حتی بیشتر به سمت حمله لفاظی حرکت کرد. «شرارت رهبری نظامی کشور باید متوقف شود.» رسانه‌های رسمی روسیه این حملات را تکذیب کردند و به سختی اصرار داشتند که مشغول نبرد با نیروهای اوکراینی هستند.

## چه خبره؟

شاید این یک مبارزه نخبگانی بود که از کنترل خارج شد، نتیجه یک سیستم نظامی بود که نتوانست به وحدت فرماندهی دست یابد و به تعدادی از این شرکت‌های نظامی خصوصی، نه فقط واگنر، اجازه داد تا به طور مستقل و بر اساس برنامه‌های خود فعالیت کنند. پریگوژین از زمانی که در طول این جنگ از سایه‌ها خارج شد، به یک حرفه سیاسی در نهایت علاقه نشان داد. او دستگاه تبلیغاتی خاص خود را دارد و نام قابل توجهی در بین مردم دارد. مهمتر از همه، او گروه قابل توجهی از مردان را فرماندهی می‌کند - به اندازه 25000 نفر که در مانورهای فعلی او مشغول هستند.

زبانی که باید این وقایع را توصیف کنیم، اغلب نمی‌تواند ماهیت منحصر به فرد آنها را درک کند. وقتی از کودتا صحبت می‌کنیم، تصور می‌کنیم که مردان مسلح برای دستگیری یا کشتن پوتین و نصب رهبر جدید به کرملین هجوم می‌آورند، و رسانه‌های اصلی دستگیر می‌شوند تا اطمینان حاصل شود که همه می‌دانند چه کسی اکنون مسئول است. از این نظر، کودتا نیست و پریگوژین اصرار دارد که کودتا نمی‌کند. هدف او صرفاً حذف شوپگو و گراسیموف و جایگزینی استراتژی‌های «گوش‌ت‌زنی» است که آنها

در جنگ دنبال کرده‌اند به هر حال پس از سخنرانی پوتین، خواه این قصد او بوده باشد یا نه، پریگوژین در تقابل مستقیم با رئیس جمهور روسیه است یکی از آنها بازنده خواهد بود .

پریگوژین در میان نخبگان غیرنظامی و نظامی، برای استدلال هایش، اگر نه برای شخصیتش، حامیانی خواهد داشت، و در نهایت، وقتی نوبت به خرید لطف و اطلاعات به میان می‌آید، با کمبود بودجه مواجه نیست. و در حالی که بیشتر آنها این را مسلم می‌دانند که شغل و رفاه آنها به بقای پوتین بستگی دارد، تعداد کمی از آنها می‌توانند توهّمات زیادی درباره سوء مدیریت این جنگ و هزینه‌هایی که بر جامعه و اقتصاد روسیه تحمیل می‌کند داشته باشند. اکثراً در حال حاضر سرخود را پایین نگه می‌دارند، اما اگر این بسیار فراتر رود، تقاضاهایی برای وفاداری وجود خواهد داشت که خطرات خود را به همراه خواهد داشت .

درگیری‌هایی وجود داشته است که به اندازه کافی جدی بوده که واکنش ادعا کند سه هلیکوپتر را ساقط کرده است، اما هنوز به یک جنگ داخلی نزدیک نشده است، به این معنی که نیروهای مسلح کاملاً علیه یکدیگر تقسیم شده‌اند، گویی در حال مقابله با یک هلیکوپتر هستند. دشمن خارجی در زمین به نظر نمی‌رسد و واکنش با مقاومت زیادی روبرو شده باشد، حتی زمانی که وارد مرکز فرماندهی اصلی ارتش روسیه شد .

این یک قیام نیست. پریگوژین از مردم خواسته است که برای خلاص شدن از شر "دولت ضعیف" خود به خیابان‌ها بروند ("ما سلاح پیدا خواهیم کرد") تا جایی که آنها می‌دانند مردم روسیه چه می‌گذرد، احتمالاً نگران و متحیر خواهند شد، اما آنها نمی‌خواهند با عجله به خیابان‌ها بروند و شروع به ساختن سنگرها کنند. مطمئناً انگیزه‌ای برای ایجاد صلح نیست. در روستوف، پریگوژین مراقب بود که نشان دهد که در کار فرماندهی جنوب در حالی که تلاش می‌کند جنگ را مدیریت کند، دخالت نمی‌کند، اگرچه باید فرض کرد که افسران درگیر باید در حال حاضر کمی پریشان باشند. او می‌خواهد وطن پرست به نظر برسد و ادعا می‌کند که راه بهتری برای مبارزه با جنگ دارد

با این حال، این یک شورش است. به این ترتیب همه چیز برای پریگوژین به این بستگی دارد که آیا اتهامات او به سایر سربازان صدق می‌کند و آنها را وادار می‌کند به صفوف او بپیوندند یا حداقل از شروع جنگیدن با مردانش امتناع کنند. به طور کلی واکنش نظم و انضباط بیشتری نسبت به بسیاری دیگر از نیروهای روسی نشان داده است و تعجب

آور نیست که آنها در هر جنگی دست برتر را به دست آورند. این امر به زودی می تواند تأثیر ضربه‌ای بر انسجام پاسخ نظامی وفادار داشته باشد.

پریگوژین به وضوح در تحقیر فرماندهی بالاتر این جنگ تنها نیست. بسیاری از وبلاگ نویسان نظامی، اغلب به شدت ناسیونالیست و طرفدار جنگ، وجود دارند که در مورد شکست نیروهای روسی صریح هستند و همچنین فساد و رضایت را در راس آنها مقصر می دانند. آنچه او را از دیگران متمایز می کند این است که نیروی بزرگ و ظاهراً وفاداری در اختیار دارد. برخلاف سایر ژنرال‌ها، او پیروزی‌های واقعی را نیز به اعتبار خود دارد، هر چند ماهیت *pyrrhic* افراد او در تصرف سولدار و بخموت پیشتاز بودند. در جاهای دیگر در طول تهاجم اخیر روسیه فقط شکست‌های پرهزینه‌ای رخ داد.

علاوه بر این، ما می دانیم که برای بسیاری از افراد در خط مقدم، به ویژه آنهایی که در دونباس می جنگند، شرایط بد، تلفات بسیار زیاد و فرماندهان غایب بوده است. گروه واگنر ادعا کرده است که سربازان قراردادی روسیه ترجیح می دهند با آنها باشند تا تحت سلسله فرماندهی گراسیموف کسانی که در دونباس هستند ظاهراً به عنوان بخشی از شبه‌نظامیان *LNR* و *DNR* خدمت کرده‌اند، اما این نیروها از بین رفته‌اند، زیرا سربازان آنها مدام کشته می‌شوند و اکنون به نظر می‌رسد که توسط جنگ سالاران محلی باقی‌مانده به عنوان راکت اداره می‌شوند. یکی از فاجعه‌های متعدد این جنگ این است که چگونه کسانی که ظاهراً از قسوت‌های افسانه‌ای اوکراین محافظت می‌شوند، از سوی محافظان خود مورد رفتار خشن قرار گرفته‌اند. شهرهای حیاتی به ویرانه تبدیل شده‌اند. از زمان اولین حرکت در دونباس برای به چالش کشیدن مقامات اوکراینی در بهار 2014، این منطقه فقیر شده است.

## بعدش چی؟

گویای این است که پاسخ غریزی مسکو این است که اصرار کند که شورش در حال حاضر شکست خورده است و مبارزان واگنر اشتباه راه خود را می بینند و برای پیوستن به رفقای واقعی خود باز می گردند. این امید در سخنرانی پوتین وجود دارد که بتوان نیروهای واگنر را از رهبرشان جدا کرد. انکار اخبار بد موضع پیش فرض این رژیم است، اما در حال حاضر هیچ مدرکی دال بر تزلزل شورش وجود ندارد.

سوال بزرگ این است که بقیه نیروهای مسلح چگونه پاسخ خواهند داد. یکی از قابل توجه ترین ویدئوهایی که تاکنون منتشر شده است نشان می دهد که پریگوژین در روستوف با یونس بیک یوکوروف، معاون وزیر دفاع و ولادیمیر استپانوویچ آکسیف، معاون رئیس سرویس اطلاعات نظامی روسیه که احتمالاً هر دو در ستاد فرماندهی وظیفه داشتند، صحبت می کند. به نظر می رسد عملاً گروگان هستند. چندی پیش آکیف ویدیوی خود را منتشر نکرده بود که از پریگوژین خواسته بود ماجراجویی خود را رها کند به طرز جالبی از همان اتاق، متحد اصلی پریگوژین در فرماندهی عالی، ژنرال سرگئی

سور وویکین (که اتفاقاً یکی از شرکت کنندگان در کودتای 1991 علیه گورباچف بود)، درخواست مشابیه صادر کرده بود، که بیشتر با غم و اندوه بود تا عصبانیت پس سور وویکین الان کجاست؟ او به طور بالقوه یک بازیکن کلیدی است .

شویگو و گراسیموف که پریگوژین نیز ادعا می کرد در روستوف حضور دارند، به نظر نمی رسد اکنون در آنجا باشند. از آنجایی که آنها هنوز از حمایت پوتین برخوردارند، سازماندهی ضد شورش به عهده آنها خواهد بود. پریگوژین اکنون باید تصمیم بگیرد که آیا به راهپیمایی خود به مسکو ادامه دهد یا خیر، زیرا او قول داده است که می داند آماده سازی برای پذیرایی از او در حال انجام است. وزارت دفاع بریتانیا ادعا می کند که افراد او قبلاً به نیمه راه در ورونژ رسیده اند آنچه اکنون اتفاق می افتد به وفاداری نیروها بستگی دارد. گزارشها - شایعاتی - وجود دارد که برخی از نیروهای جریان اصلی به واکنش می روند. بسیاری دیگر ممکن است تماشاگران منفعل باشند. اگر او نتواند واحدهای وفادار قابل توجهی را بسیج کند، پوتین دچار مشکل می شود. اگر او بتواند، پریگوژین منزوی و به طور بالقوه خرد خواهد شد. یکی از عوامل در همه اینها این است که نیروهای وفادار از کجا آمده اند، با توجه به اینکه بخش زیادی از ارتش در اوکراین گرفتار و یادرگیر شده است .

حتی اگر واکنش به سرعت شکست بخورد، که من آن را بدیهی نمی دانم، باز هم این یک شوک بزرگ برای رژیم است و تضعیف شده است. اگر رویارویی در جهت دیگری پیش برود، همه شرط بندی ها متوقف می شوند و ممکن است وحشت کرملین را فرا بگیرد. مشکل مستبدانی مانند پوتین این است که آنها واقعاً نمی دانند در میان مردم مشان چه می گذرد، و این باعث افزایش وحشت می شود. علاوه بر این، هنگامی که فرماندهی عالی آسیب پذیر به نظر برسد، فرماندهان کوچک در نبردهای خود با نیروهای اوکراینی چه خواهند کرد؟ آنها چقدر مشتاق خواهند بود برای هدفی که گم شده به نظر می رسد بمیرند؟ در حال حاضر کسانی که رویدادها را با بیشترین اشتیاق تماشا می کنند، فرماندهان عالی اوکراین خواهند بود. فرصت هایی برای عملیات تهاجمی وجود دارد که هرگز انتظارش را نداشتند.

## سطری در مورد نویسنده این مقاله:

لارنس فریدمن، استاد بازنشسته مطالعات جنگ در کینگز کالج لندن.

----- **باتقدیم احترامات «2023-06-25»**